



عکس: محسن رضایی / مهپر

از شیوه‌های کار آفرینی و در آمدجویی نسل جوان فاجعه‌سازی نکنیم

نگاه عاقل اندر سفیه به کاسبی‌های کوچک جوانان!

حسن فرامرزی
چند روز پیش با همسرم پارک رفته بودیم. از دور دیدیم دختری جوان مدام به نیمکت‌ها نزد یک می‌نشود با کسانتی که روی نیمکت‌ها نشسته‌اند سخن می‌گوید و کتابی به آنها می‌دهد که نگاه کنند. اول فکر کردیم از این جوان‌هایی هستند که نظرسنجی می‌کنند اما بعد که نزدیک‌تر شدیم دیدیم او مجموعه شعرهای خودش را در پارک دارد می‌فروشد. من و همسرم شروع کردیم به فاجعه‌سازی. هر چه رقم و نا و کلمه داشتیم صرف این

پیش در یکی از بوستان‌های تهران از جوان را دیدم که بادکنک‌هایی با گاز هلیوم به مشتریان خود می‌فروختند. آنها این بادکنک‌ها را با قیمت و سود خوبی به افراد می‌فروختند و حسابی سرشان شلوغ شده بود. گاز هلیوم چون سبک‌تر از هواست وقتی داخل جداره بادکنک می‌رود بادکنک مثل یک بالن رو به سمت بالا می‌رود و شما با اینکه رویان بادکنک را دست‌تان گرفته‌اید، رویان مثل یک میله فلزی در دست شما صاف و محکم می‌شود، بنابراین هواست طبیعی است این بادکنک‌ها نسبت به بادکنک‌هایی که با هوا پر شده‌اند برای بچه‌ها جذاب‌تر می‌شوند. آن روز آن دو جوان با یک کیسول پراز گاز هلیوم و مقداری چسب که به جداره داخلی بادکنک‌ها می‌زدند تا دوام آنها را بیشتر کنند، جمعیت قابل توجهی را دور خود جمع کرده بودند.

ممکن است هنوز هم میان ما کسانتی باشند که وقتی چنین منظره‌هایی می‌بینند، ناخودآگاه دست به فاجعه‌سازی بزنند و از این «خلاقیت - کار آفرینک» با الفاظی چون «طفلك»!«ها ببین جوان‌ها به چه روزی افتاده‌اند!» نظار این یاد کنند. در حالی که این جوان‌ها اتفاقاً قابل افتخار هستند و علاوه بر اینکه فشاری را از روی خانواده‌هایشان برمی‌دارند و درآمدی برای خود ایجاد می‌کنند، در جریان و پروسه تولید قرار می‌گیرند و چه بسا همین ایده‌های کوچک آنها را در ادامه به ایده‌های بزرگ‌تر بکشانند.

■ دختر مدیر صنایع آلمان، کارگر خدماتی نمایشگاه فرانکفورت
متأسفانه در این سال‌ها با متن قرار دادن و جولان دادن به حس فاجعه‌سازی اجازه نداده‌ایم نتوانان‌ها جوان‌های ما به سمت کار آفرینی و نوآوری و کسب در آمد حرکت کنند و همین حس‌های اشتباه‌دامنگیر آنها در سال‌های بعد شده و تصور غالب بر این بوده که کار حتماً باید شیک و آپرومندانه آغاز شود.

دکتر خنوب‌نبنیان، تحلیلگر فرهنگی چندی پیش به نگارنده می‌گفت سال‌ها پیش در نمایشگاه فرانکفورت

سبک‌نگرش
نامیه گلستانه
مستولیت به منزله نوعی تعهد بوده و مسئولیت‌پذیری پایبندی به این تعهد محسوب می‌شود. نقش مسئولیت در تمام ابعاد اجتماعی، خانوادگی، اقتصادی و فرهنگی به وضوح مشخص است. افراد باید به این آگاهی حس یابند که برای پذیرش مسئولیت ابتدا نسبت به هدف شناخت کافی داشته باشند. سپس با استفاده از اطلاعات کافی و بهره‌مندی از مهارت حل مسئله و مهارت تصمیم‌گیری اقدام به پذیرش مسئولیت کنند. تفاوت افراد موفق و شکست خورده، افراد مضطرب و آرام و افراد مسئولیت‌پذیر و بی‌مسئولیت در تنظیم برنامه واقع‌بینانه است. اگر هر فردی لیستی از کارها و برنامه‌های خویش را طبق توانمندی‌های شخصی‌اش تدوین کند به